

نقدی بر کتاب

جغرافیای کشورهای مسلمان سال چهارم دبیرستان رشته اقتصاد و اجتماعی و فرهنگ و ادب

غلامرضا کلی زواره

جغرافیای کشورهای مسلمان. کتاب درسی سال چهارم آموزش متوسطه عمومی (رشته اقتصاد اجتماعی- فرهنگ و ادب). مؤلف عبدالرضا فرجی، ناشر: تهران، وزارت آموزش و پرورش-۱۳۷۱ شمسی.

* اشاره

اندیشه های علمی جغرافیا در قرون گذشته توسط دانشمندان مسلمان، پایه ریزی شده است و در آثار منابع اسلامی به موضوعات و عناوین جالب جغرافیائی اشاره شده و جغرافیا برای موحدین به لحاظ موارد زیر از دیر باز قابل توجه بوده است:

الف: سیر آفاقی و شناخت پدیده های هستی و مشاهده عناصر جهان که از طریق آن می توان خالق هستی را شناخت و به جلال و عظمت او پی برد.

ب: شناخت زمان، اوقات شرعی، تعیین قبله و مسافت های شرعی.

ج: آشنایی با آیات الهی در ارتباط با احکام عبادی به عنوان مثال: نماز آیات به هنگام بروز حوادث غیر عادی نظیر زلزله، گرفتگی خورشید و ماه و طوفانهای شدید بر مسلمانان واجب می شود.

د- آشنایی با اماکن مذهبی و زیارتی و مراکز مقدس

مسلمانان بویژه قبله گاه مسلمین و شناخت راههایی که به این امکان مقدس منتهی می شود.

ه- آشنایی با سرزمین ها و نواحی مسلمان نشین جهان و بدست آوردن اطلاعات در مورد امکانات مسلمانان.

و- آگاهی از مناطق غیر مسلمان و امکانات این نواحی جهت تبلیغات اسلامی در نقاط مزبور.

ز- شناخت نقاط حساس و استراتژیک به هنگام جنگ ها و فتوحات اسلامی.

آفتی که پس از قرون وسطی متوجه این دانش ارزنده گردید این بود که اطلاعات جغرافیائی در زمینه های گوناگون در اختیار استعمار و استعمار جهانی و گسترش فعالیت های تجاری آنها و در واقع غارت جهان قرار گرفت، این کاربرد نابجا، جغرافیا را مظلوم جلوه می نمایاند.

متأسفانه مردم از این دانش برداشت های نادرستی دارند و تصور می کنند، جغرافیا یعنی دانستن نام کشورها، شهرها، رودخانه ها و ... که بخشی از آن متوجه جغرافیدانانی است که نتوانسته اند آنگونه که شایسته است چهارچوب محتوایی و قلمرو مطالعاتی این دانش را مشخص کنند و لذا باید اعتبار علمی آن دقیقاً روشن شود و ابعاد و جوانب آن مشخص گردد، عده ای هم فکر می کنند جغرافیا صرفاً در پیرامون محیط طبیعی بحث می کند و هر قدر روابط اجتماعی و فرهنگی جوامع پیچیده شود و گسترش یابد، جغرافیا از زندگی مردم فاصله می گیرد در حالی که این تصویری باطل در مورد جغرافیاست و اصولاً یکی از جنبه های بنیادی مطالعات جغرافیائی بررسی و شناخت ویژگی های اجتماعی- فرهنگی به عنوان عینیتی در روندی متحول و پویاست و بررسی محیط طبیعی بدون در نظر گرفتن مفاهیم انسانی، کاری عبث می باشد. خوشبختانه به یمن پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی ایران، دانش جغرافیا به مفهوم وسیع و عمیق آن از ارزش کمی و کیفی برخوردار شده و مباحث جغرافیائی، حصار تنگ خود را شکافته و تحولی ژرف در آن پدید آمده است و این علم به صورت زنده، فعال و کاربردی در جهت تحقق ارزشهای اسلامی و شناخت اهل قبله

اسلامی در سالهای اخیر، مسؤولیت مراکز آموزشی کشور را چندین برابر کرده است. دفتر برنامه ریزی و تألیف کتب درسی وزارت آموزش و پرورش ضمن درک این مهم و برای غنا بخشی به آگاهی دانش آموزان در خصوص کشورهای مسلمان، اقدام به تألیف کتابی تحت عنوان «جغرافیای کشورهای مسلمان» کرده و به عنوان کتاب درسی دانش آموزان سال چهارم اقتصاد اجتماعی و فرهنگ و ادب دبیرستانها، در برنامه آموزشی کشور، قرار گرفته است.

فاضل محترم، جناب آقای «عبدالرضا فرجی»، این کتاب را در ۲۷۵ صفحه که حاوی سه بخش است تألیف نموده و ویژگیهای طبیعی، اجتماعی، تاریخی و اقتصادی، ۴۳ کشوری را که در آنان مسلمانان در اکثریتند، مورد بررسی قرار داده است. اطلاعات جالب و متنوعی که در این کتاب به صورت منسجم در خصوص کشورهای اسلامی درج شده آن را خواندنی نموده و همت نویسنده محترم در تألیف این مجموعه در خور تحسین است. نگارنده ضمن ارج نهادن به این تلاش شایسته، با توجه به اینکه، کتاب حاضر به عنوان یکی از مواد درسی قلمداد شده و از سوی ام‌القرای جهان اسلام به معرفی کشورهای اسلامی پرداخته است، لازم دیدم نکاتی را در ارتباط با مضامین مندرج در این اثر تذکر دهم.

* کاستیهایی در مفاهیم کتاب

با وجود مطالب مفید و ارزنده، در این کتاب به جای توجه به مفاهیم و مضامین علت و معلولی، غالباً به محفوظات توجه شده و پویایی ناشی از ترقی روز افزون دانش جغرافیا، کمتر در آن به چشم می‌خورد. تمامی جغرافیدانان عصر حاضر عقیده دارند که ترکیب عوامل بیروح طبیعی با پایگاه فرهنگ انسانی جنبش و خلاقیت جغرافیائی پدید می‌آورد و نیز از ترکیب این دو، شکل و نوع فعالیت‌های انسانی در قلمرو جغرافیائی مورد بحث تعیین می‌شود. در صورتی که در جای جای کتاب حاضر پدیده‌های طبیعی به صورتی منفک از ویژگیهای فرهنگی و انسانی معرفی شده و حتی در بررسیهای انسانی، آگاهیها به آن صورتی نیست که در مقدمه کتاب بدانها اشاره شده است. در مقدمه آمده است:

و قلمرو جغرافیائی آنان به نحو مطلوبی به کار گرفته شده است، در پرتو شعاع پر فروغ این حرکت معنوی، جغرافیا که در اعصار گذشته توسط استعمارگران برای کشف نواحی گوناگون جهان و بهره‌کشی از آنان بکار گرفته شده بود، به حربه‌ای مؤثر در دست پژوهشگران و متفکران متعهد، تبدیل شده تا از یک سو موقعیت خود را شناخته و از سوی دیگر نواحی تحت قلمرو مسلمانان را مورد بررسی قرار داده و با شناسائی پدیده‌های فرهنگی، سیاسی و اجتماعی در مقیاس جهانی بتوانند مکاید استکبار را خنثی کرده و اسلام ناب محمدی را از شر دسیسه‌های دشمنان و شب پرستان کوردل، مصون نگاه دارند و زمینه‌های رستاخیز عظیم اسلامی را در سراسر گیتی فراهم نمایند.

* ضرورت شناخت امکانات اهل قبله

از دیدگاه قرآن، مسلمان جهان صرف نظر از تنوع محیط جغرافیائی و مسائل قومی و زبانی و بعد مسافت، به لحاظ عقیده و گرایش‌های مذهبی امتی واحد محسوب می‌شوند، از طرفی با پیروزی انقلاب اسلامی ایران و استقرار ارزشهای مذهبی در این کشور، امت مسلمان ایران از قید و بندهای نژادی و ملی‌گرایی که بخصوص طی سالیان دراز، رژیم طاغوت در تبلیغ و اشاعه آنها می‌کوشید آزاد شده و مردم این سامان خود را عضوی از پیکر واحد جهان اسلام می‌دانند که در سرزمین‌ها و نواحی گوناگون پراکنده‌اند. چنین احساس یگانگی با مسلمین جهان و کم‌رنگ شدن اندیشه‌های ناسیونالیستی، موجب آن گشته تا در وحله اول، مسائل آموزشی و محتوای کتب درسی را به گونه‌ای دگرگون کند به نحوی که در جریان این تحول، مضامین و مفاهیمی به جوانان کشور آموزش داده شود تا ضمن آشنایی آنان با امت اسلامی ساکن در سرزمین‌های دیگر، پیوند خود را با مسلمانان جهان مستحکم‌تر نموده و با دشواریها، نابسامانیها و آشفتگی‌های حاکم بر سرزمین‌های اسلامی که ارمغان استکبار و میراث ستم‌پیشگان حاکم بر محرومین این نقاط است، بیش از گذشته آشنا شوند.

احساس فزاینده جامعه اسلامی، بویژه نسل جوان، در جهت کسب اطلاعات جغرافیائی در خصوص جهان اسلام و روی آوردن آنان به پدیده‌های جغرافیائی با عنایت به نگرش

هوایی، موقع جغرافیائی، پستی و بلندیها، مسائل اجتماعی و ویژگیهای اقتصادی و حتی روابط سیاسی و تجارت خارجی با یکدیگر مشترکات زیادی دارند و لزومی نداشت این مشخصات را ذیل هر کدام از این سرزمینها ذکر می نمودند. کشورهای منطقه صحرای افریقا و افریقای شمالی نیز چنین وضع مشابهی را با هم دارند.

* کاستیهایی در معرفی نواحی تحت قلمرو سرزمینهای اسلامی

سبک کتاب به این شکل است که قبل از معرفی کشورهای اسلامی یک قاره و نیز سرزمینهای واقع در هر بخش از قاره های آسیا و افریقا، به معرفی این نقاط از نظر طبیعی و پدیده های جغرافیائی و برخی مسائل تاریخی و سیاسی پرداخته و از سابقه نفوذ اسلام، جغرافیای تاریخی و مبارزات مسلمانان در طول تاریخ و میزان سکنة آنان و نیز درصد آن در مقایسه با سایر نقاط کمتر مطلبی به میان آمده است. همچنین در این معرفی اجمالی به روابط سیاسی- تجاری کشورها و مسائل مرزی آنها اشاره ای نشده است، با وجود آنکه «سازمان کنفرانس اسلامی»، تنها نهاد سیاسی کشورهای اسلامی است و هم اکنون ۵۱ کشور مسلمان در آن عضویت دارند، حتی نام آن در این کتاب نیامده است و تشکیلات سیاسی دیگر که تعدادی از کشورهای مسلمان در آنها عضویت دارند به طور ناقص معرفی شده اند به عنوان مثال به اتحادیه «آ-س-آن» اشاره شده، اما حتی با توضیح مؤلف در پاورقی، نام اصلی این سازمان که «انجمن ملل جنوب شرقی آسیا» نام دارد و آ-س-آن نام مستعار آن است ذکر نشده و از هدف اصلی تاسیس آن، که حفظ منابع استکبار بویژه امریکا می باشد، مطلبی به میان نیامده است. در صفحه ۱۳۴ ذیل ویژگیهای تاریخی سیاسی اندونزی آمده است که اندونزی در زمینه های مختلفی همکاری با همسایگان خود را آغاز کرد. از جمله این کوشش ها عضویت در گروه کشورهای آ-س-آن در جنوب شرقی آسیا را می توان نام برد ولی واقع امر این است که نهاد مزبور با دسیسه های امریکا و برای تحکیم پایه های استکبار در ناحیه مذکور تاسیس گردیده است. مروری بر فعالیتها و موضع گیریهای اتحادیه مزبور این ادعا را به اثبات می رساند.

«... شناخت گذشته و حال مردم کشورهای مسلمان، ما را با امکانات و توانائی ها و نیز با اشکالات و مشکلات این مردم آشنا می سازد و زمینه های اتحاد مسلمین و عوامل ایجاد تفرقه در میان آنان را ... به ما می شناساند ...»

اغلب مطالب مندرج در این کتاب با هدف مذکور مطابقت ندارد. واقعیت این است که در کشورهای اسلامی، ایدئولوژی و فرهنگ اسلامی موجب پدید آمدن عناصری جغرافیائی شده است و برخی از پدیده های جغرافیائی، هویت مذهبی مسلمانان را مشخص می کند. مساجد، زیارتگاهها، مراکز آموزشهای مذهبی و نیز موارث فرهنگی الهام گرفته از اسلام، می تواند در جغرافیای سرزمینهای اسلامی مورد بحث واقع شوند، بخصوص مسجد به عنوان پدیده جغرافیائی ملهم از عقیده و به عنوان مرکزی عبادی و کانون فعالیت سیاسی، تشکل اجتماعی، جایگاه آموزشهای مذهبی و اجرای مسائل قضایی و نیز مرکز تجلی معماری اسلامی، شناسنامه ارزشمندی برای مطالعه جغرافیای تاریخی هر منطقه می تواند باشد که در این کتاب به آن، اشاره نشده است. شایسته بود که سنتهای مسلمانان در مسائل فرهنگی و اجتماعی مورد توجه قرار می گرفت و جنبشهایی که مردم این کشورها در مصاف با استکبار و رژیم حاکم بر آنها ترتیب می دادند، بیشتر معرفی می گردید. اگر چه به معضلات و مشکلات کشورهای اسلامی اشاره شده، اما علت واقعی این پدیدهها کمتر مورد مذاقه قرار گرفته است.

لازم بود در مقدمه کتاب، ویژگیهای مشترک جهان اسلام بررسی می شد و تنگناهای کنونی این مجموعه روشن می گشت و کشورهای اسلامی را با عنایت به گذشته تاریخی و نزدیکی و دوری به قبله گاه مسلمین و عناصر اجتماعی- فرهنگی به شکلی تقسیم بندی می نمودند که دانش آموزان، براحتی آنها را فراگیرند. در مواردی، اطلاعات جغرافیائی مربوط به کشورهای یک ناحیه، از قبیل شرایط آب و هوایی و برخی امکانات دیگر، ذیل هر کدام از واحدهای سیاسی به صورت جداگانه آمده است در صورتی که تمامی کشورهای واقع در یک منطقه مشخص در ویژگیهای مزبور مشترکند و بهتر بود این اطلاعات به صورت یکجا آورده می شد. مثلاً کشورهای واقع در منطقه خلیج فارس و شبه جزیره عربستان از نقطه نظر آب و

از امپراتوری مزبور به عنوان قدرتی نژادی سخن رفته، بدون آنکه به جنبه های اسلامی و توسعه و نشر اسلام در عصر این امپراتوری اشاره شود. کما اینکه گسترش اسلام در منطقه بالکان مدیون تلاش این دولت می باشد.

در صفحه ۱۱ با ترسیم نقشه ای، کشورهای خاورمیانه مشخص گردیده است که افغانستان در این نقشه به عنوان یکی از کشورهای منطقه مزبور نیامده و در متن هم خاورمیانه این گونه تعریف شده است:

«... شامل کشورهای ایران، ترکیه و کشورهای که در شبه جزیره عربستان و شمال آن و دره نیل واقع است.» اما در صفحه ۱۳ آمده است: «سه کشور ترکیه، ایران و افغانستان بیش از دو سوم کل جمعیت این منطقه را تشکیل می دهند.» که افغانستان به سرزمین های مذکور اضافه شده است. همچنین با در نظر گرفتن میزان سکنه این هفده کشور که جمعیتی بالغ بر ۲۶۰ میلیون نفر دارند سه کشور یاد شده با ۱۳۰ میلیون نفر سکنه، تنها پنجاه درصد خاورمیانه جمعیت دارند نه هفتاد و پنج درصد آن. در همین صفحه ترکیه به عنوان پرجمعیت ترین کشور خاورمیانه با ۵۱ میلیون نفر ذکر شده که ادعای مزبور با عنایت به سکنه ایران که ۵۸ میلیون نفر است درست نمی باشد.

در همین صفحه به چادر نشینان عربستان و ایران اشاره گردیده، در حالی که زندگی عشایری در عراق- ترکیه و سوریه هم وجود دارد. در صفحه ۱۷، ذیل ویژگیهای خاورمیانه از همسایگی این منطقه با شوروی به عنوان مهم بودن منطقه ذکر می میان آمده که با توجه به دگرگونیهای سالهای اخیر و فروپاشی نظام سیاسی شوروی و بلوک شرق، ذکر این ویژگی بيمورد است مگر آنکه جنبه تاریخی به آن بدهیم. در صفحه ۱۸، آخرین توطئه بر علیه ایران را از سوی ابرقدرتها جنگ تحمیلی عراق معرفی کرده است، در صورتی که تازه ترین دسیسه استکبار بر علیه جمهوری اسلامی ایران، تهاجم فرهنگی و به تعبیر مقام معظم رهبری حضرت آیت الله خامنه ای شبیخون فرهنگی می باشد و غرب می کوشد با این حیله، فروغ معنویت را به خاموشی بگرداند و از هجوم نظامی بر علیه ایران مایوس شده است.

در صفحه ۱۵ بعد از عنوان «مرکزیت دنیای اسلام» آمده

همچنین در معرفی پیمانهای سیتو و سنتو و همچنین شورای همکاری خلیج فارس، به نام آنها اکتفا شده است. در صفحه ۹ کتاب، زمینه های نفوذ استعمار در آسیا بخصوص کشورهای مسلمان را این گونه ذکر می کند:

«... علاوه بر آشنائی بیشتر اروپائیان با فنون جدید دریانوردی و سلاح آتشین، دوری مردم کشورهای مسلمان از مفاهیم اسلام و خود باختگی فرهنگی و نیز فساد و ضعف حکومت های مرکزی و اختلافات داخلی میان حکام بود.»

در صحت این عوامل شکی نیست، اما به یک نکته اساسی اشاره نشده که آن تهاجم فرهنگی استعمار بر علیه معتقدات و ارزشهای مردم می باشد و در واقع عوامل بیگانه در به وجود آوردن مسائل مذکور دخالت عمده ای داشتند و آنان بودند که تعالیم اساسی را، که موجودیت واقعی عقیده مسلمانان بدان وابسته بود، از آنان گرفتند و مذهب را از متن زندگی سیاسی- اجتماعی مردم جدا کردند تا بتوانند با خیال راحت به این سرزمینها استیلا یابند.

در صفحه ۱۰ آمده است:

«... با پیدا شدن قطب های جدید قدرت یعنی ایالات متحده آمریکا و شوروی پس از جنگ دوم و رقابت این قدرت ها جهت جایگزین شدن به جای رقبای قدیمی خود، چهره جدیدی از استعمار در این کشورها آغاز شد.»

برای دانش آموزان روشن نیست این چهره جدید که به «استعمار نو» یا نئوکولونیالیسم موسوم است چه مشخصاتی دارد و چه اهدافی را تعقیب می کند و تفاوت آن با استعمار به شیوه کهن چیست و چرا خطرناکتر از نوع قدیمی آن است.

در همین صفحه، امپراتوری عثمانی که در واقع قدرت اسلامی عظیمی بود به عنوان حکومتی نژادی معرفی شده و در ادامه آن ذکر شده: «تبدیل حکومت ترک ها به یک قدرت جهانی مهم، اروپائیان را بیش از پیش به وحشت انداخت.» طبیعی است که اگر قدرت مزبور صرفاً بر پایه بنیان های نژادی استوار شده بود برای غرب هراس انگیز نبود، بیم غرب از اسلامی بودن این دولت و اقتدار سیاسی مسلمانان در پرتو این تشکیلات سیاسی بود و به همین دلیل در صدد تجزیه و انهدام آن برآمد.

در صفحه ۲۴ هم ذیل ویژگی های تاریخی- سیاسی ترکیه

کشورهای معرفی شده در این کتاب است. در مقدمه آمده: «در این کتاب از کلیه کشورهایی که مسلمانان در آنها اکثریت دارند به عنوان کشورهای مسلمان یاد شده» است. در حالی که اگر منظور صرف اکثریت مسلمان است، کشورهای دیگری هم هستند که این خصوصیت را دارند، اما حتی به نام آنها در این کتاب اشاره نگردیده است. اتیوپی، موزامبیک، کامرون، ساحل عاج، بنین (داهومی)، توگو و افریقای مرکزی که تمامی آنها در قاره افریقا واقعند، حتی طبق آمار سال ۱۹۸۱ میلادی متجاوز از پنجاه درصد مسلمان داشته اند. ضمناً به سبب تحولات جدید در آسیای مرکزی و قفقاز و نیز شبه جزیره بالکان چندین واحد سیاسی با اکثریتی مسلمان پدید آمده اند که در چاپ جدید این کتاب که در سال جاری (۱۳۷۱) صورت گرفته، ضرورت داشت به این تحولات اشاره می شد. همچنین از دگرگونیهای سیاسی-اجتماعی کشورهای اسلامی، که در سالهای اخیر با تأثیر پذیری از انقلاب شکوهمند اسلامی به وقوع پیوسته، در این کتاب ذکری به میان نیامده است. بسیاری از کشورهای اسلامی دارای شهرهایی هستند که در گذشته بستر تاریخ سیاسی اسلام بوده و اماکن مذهبی، زیارتی و موارث فرهنگی ارزشمندی در آنها قرار دارد که نویسنده کمتر به معرفی آنها مبادرت نموده است و از ۱۶۵ قطعه عکس رنگی این کتاب، تنها ۲۵ قطعه آن به اماکن مذهبی، زیارتی و فرهنگی مسلمین اختصاص یافته است. بقیه تصاویر از پدیده های طبیعی، جغرافیائی و سیمای اقتصادی این سرزمینها حکایت می کند. یکی از مصایب مهمی که هم اکنون گریبانگیر کشورهای اسلامی است، مسأله حکومتهای این سرزمینها می باشد و با وجود آنکه فرهنگ اسلامی با تاریخ و سنتهای اجتماعی مردم این نواحی عجین گشته، اکثر رژیمهای حاکم به مناطق اسلامی به سرکوبی شدید مبارزین مسلمان می پردازند و شخصیتهای مذهبی را از طریق مجازات و شکنجه های شدید به شهادت می رسانند و به تفکر مسلمین هیچ اهمیتی نمی دهند. متأسفانه در کتابی که ادعای معرفی کشورهای مسلمان را دارد این حقایق کمتر مطرح شده است.

در صفحه ۱۹ وسعت ترکیه را مشخص نکرده و تنها به این نکته اکتفا شده که وسعت ترکیه در حدود نصف وسعت ایران

است: «خاورمیانه مرکز دنیای اسلام است، دنیائی با حدود ۲۲۰ میلیون پیرو». اگر منظور، دنیای اسلام است که یک میلیارد و دوست و پنجاه میلیون نفر پیرو دارد و اگر منظور خاورمیانه می باشد با متن انطباق ندارد. در صفحه ۱۰۱ شبه قاره هند و ناحیه مالایا یکجا معرفی شده اند و این مطلب موجب آن گشته تا برای خواننده مشخص نشود که هر کدام از این نواحی چه ویژگیهای مختص به خود دارند و لازم بود این دو منطقه به صورت جداگانه معرفی می شدند و به جای پرداختن به مسائل طبیعی خوب بود مؤلف محترم به جغرافیای تاریخی و سابقه نشر اسلام در این مناطق و نیز میزان سکنه مسلمانان در نقاط مزبور اشاره ای هر چند گذرا می نمود. خصوصاً آنکه در این نواحی در اعصار گذشته به همت مسلمانان و بویژه ایرانیان، دولتهای اسلامی پدید آمدند و موارث فرهنگی گرانقدری از خود به یادگار گذاشتند. در صفحه ۱۴۴ آمده: «همزمان با آغاز جنگ جهانی دوم، نهضت های آزادیبخش در مناطق مختلف افریقا جان گرفت.» به این نکته اشاره نشده که در اکثر نقاط افریقا، بویژه در افریقای شمالی، شرقی، غربی و مرکزی، این نهضتها ریشه ای اسلامی داشت و رهبران نهضتها، مسلمانان مبارزی بودند که اسلام را در متن زندگی سیاسی خود و افراد این جنبشها وارد نموده بودند و ضرورت داشت به این مطلب مهم اشاره ای ولو گذرا می شد.

در صفحه ۱۴۷، نویسنده گفته است: «اعراب این منطقه [شمال افریقا] را جزیره المغرب می نامند» و اضافه نموده که «این منطقه از ۵ کشور مصر، لیبی، تونس، الجزایر و مراکش تشکیل شده است.» اما در صفحه ۱۷۳ «المغرب» به گونه ای دیگر معرفی می شود: «سرزمینی که امروز الجزایر نامیده می شود قبلاً با دو سرزمین همجوار خود یعنی تونس و مراکش «المغرب» نامیده می شد.» مشخص نیست کدامیک از این جملات در تعریف «مغرب» دقیقتر است و از سویی این نکته روشن نشده که چرا اعراب به این نواحی «مغرب» می گویند و فرق آن با «غربی» که شامل اروپای غربی و آمریکاست در چه می باشد.

* اشکالات در معرفی کشورهای اسلامی

اولین ایرادی که به کتاب وارد است مربوط به تعداد

مجموع کل مساحت کشمیر که ۲۲۲۰۰۰ کیلو متر مربع می باشد. تحت عنوان کشمیر آزاد در کنترل پاکستان می باشد. اندونزی طبق آمار سال ۱۹۹۰، ۱۸۵ میلیون نفر سکنه داشته که رقم سکنه آن در این کتاب ۱۷۰ میلیون نفر ذکر شده است و اصولاً میزان جمعیت کشورهای مسلمان فاقد دقت آماری است؛ کما اینکه در صفحه ۱۳ جمعیت ترکیه را بیش از ۵۱ میلیون نفر ذکر کرده در حالی که صفحه ۲۱، سکنه ترکیه را طبق آمار سال ۱۹۸۶ میلادی ۵۰/۳ میلیون نفر نوشته است.

در صفحه ۱۳۴ نویسنده گفته است که اسلام طی قرون دوازده و سیزده به اندونزی آورده شد، ولی طبق مدارک مستندی، اسلام در اوایل قرن دهم میلادی توسط شیعیان ایرانی به این سرزمین وارد شده است. در همین صفحه از مبارزه مسلمانان اندونزی با استعمار هلند که مدت ۳۵۴ سال این کشور اسلامی را غارت می نمود مطلبی ذکر نشده است. و البته در جایی آمده که میهن پرستان اندونزی استعمارگران را از کشور خارج کردند، ولی شایسته بود به جای میهن پرستان نوشته می شد مسلمانان، در ادامه همین صفحه ادعا شده که دکتر سوکارنو از سیاست بیطرفانه ای پیروی می کرد که واقعیت این طور نمی باشد و با رفتار وی موقعیت کمونیستها در اندونزی تقویت شد و اصولاً وی عقیده داشت که اسلام باید از متن زندگی سیاسی مسلمانان اندونزی، کنار زده شود و دنباله رو مصطفی کمال آتاترک بود.

در صفحه ۱۵۱، لیبرالیزم به مفهوم اقتصادی آزاد معنی شده، در حالی که جنبه سیاسی هم دارد. در صفحه ۱۵۳ این نکته از قلم افتاده که مصر در اواخر قرن هیجدهم به تصرف ناپلئون در آمد و تا اوایل قرن نوزدهم فرانسه این کشور را تحت سلطه خود قرار داده بود. در معرفی کشور تونس از شهر تاریخی و نخستین شهر مقدس افریقای شمالی پس از گرایش به اسلام یعنی قیروان، سخنی به میان نیامده است؛ شهری که مدتها مرکز خلافت اسلامی بود و از همین کانون، سپاه اسلام نواحی جنوبی اروپا را به تصرف خود در آوردند و موفق شدند طی چندین قرن دولت اسلامی اندلس را در جنوب غربی اروپا پدید آورند. همچنین در صفحه ۱۷۹ به قیام عبدالکریم ریفی و مقاومت قبایل ریف در مقابل فرانسویان اشاره ای نشده است.

است. در صفحه ۷۴ مساحت کشور یمن ۴۹۰۰۰۰ کیلومتر مربع ذکر شده که این میزان با وسعت کشور مزبور که در کتاب درسی سال اول دبیرستان (جغرافیای قاره ها و کشورها) ۵۳۶۰۰۰ کیلومتر مربع قید شده، اختلاف قابل توجهی دارد. در مورد جمهوری عربی صحرا و برخی دیگر از کشورهای مسلمان نیز این دو گانگی مشاهده می شود. در ضمن اگر نویسنده محترم پر وسعت ترین و کم وسعت ترین کشورهای اسلامی را در مقیاس جهانی، قاره ای و ناحیه ای معرفی می کرد، فراگیری آن برای خواننده آسانتر بود.

در صفحه ۲۱، نویسنده خاطر نشان ساخته که کزدها در نقاط شرقی ترکیه سکونت دارند، اما کردها در نقاط جنوبی و بویژه در مرز عراق با این کشور، تمرکز افزونتری دارند. در صفحه ۲۷، تعداد آوارگان افغانی چهار میلیون نفر عنوان شده، در حالی که تا قبل از سال ۱۹۸۶ میلادی ۳۲۰۰۰۰۰ نفر آواره افغانی در پاکستان سکونت داشته اند و ایران نیز متجاوز از دو میلیون آواره افغانی را در کشور جای داده است و این غیر از آوارگان دیگر افغانی است که در کشورهای دیگر بسر می برند. اصولاً نیمی از سکنه افغانستان به صورت آواره، تبعیدی و کشته تا پایان سال ۱۹۸۶ میلادی بوده اند.

در معرفی کشور عراق به مشاهد مقدسی که در شهرهای کربلا، نجف، سامرا، کاظمین و کوفه واقعند هیچ اشاره ای نشده است. در صفحه ۵۱ کشور اردن به عنوان یکی از قدیمی ترین مناطق مسکونی جهان معرفی شده و این گونه در اذهان تداعی می شود که گویا این سرزمین از گذشته مستقل بوده است در حالی که اردن توسط بریتانیا به وجود آمد تا هم سدی بین مسلمانان عرب و رژیم صهیونیستی باشد و هم با این کار شریف حسین- حاکم مکه- را که با وعده امپراتوری اسلامی وی را فریب داده بودند، راضی کنند.

در معرفی کشور مظلوم فلسطین به جنبش اسلامی و مردمی این سرزمین که «انتفاضه» نام دارد هیچ اشاره ای نگردیده است. شایسته بود که مؤلف محترم، در صفحه ۱۱۰ ضمن بررسی ویژگیهای تاریخی و سیاسی پاکستان سرزمین کشمیر را حتی در پاورقی معرفی می نمود، خصوصاً آنکه مورد منازعه پاکستان و هند در نیم قرن اخیر بوده و هم اکنون ۷۹۷۷۸ کیلومتر مربع آن- از